

میدون و سوفیا

خط فقر یا کش تنبان؟



✚ **پوریا عالمی**

• یک نماینده مجلس گفت: دولت خط فقر را سه میلیون تومان تعریف کرده که به نظر من الان با این وضعیت گرانی خط فقر به پنج میلیون در شهرستان‌ها و در تهران ۱۰ میلیون است.

به نظر ما خط فقر یک‌موقع مهم بود که ثابت بود و مثلاً دو سال خط فقر یک میلیون تومان بود. الان با این وضع که هر روز قیمت‌ها بالاوپایین می‌شود، ما عملاً خط فقر نداریم و کش تنبان داریم که یک جا بند نیست! درواقع مسئولان ما جای اینکه خط فقر را بخواهند کنترل کنند، دیگر باید تنبان اقتصاد را سفت نگه دارند که کلاً نیفتد.

پایین

این نماینده مجلس گفته: دولتمردان خط فقر را برای آرامش جامعه پایین‌تر می‌آورند. که به نظر ما این هم که دولت پایین‌تر بیاورد دیگر افاقه نمی‌کند و کار از کار گذشته. احتمالاً جلسات هیئت دولت این‌طوری است:

رئیس: خط رو بیار پایین‌تر...

وزیر اقتصاد: خوبه این‌قدر؟

وزیر رفاه: به کم بیشتر بیار پایین‌تر...

وزیر کشاورزی: اگه راست میگی خودت این کارو بکن.

وزیر کشور: نه قبول نیست! خیلی کم پایین آوردید... بیشتر... بیشتر... مردم مطالبه بیشتری دارند!

رئیس: همین خوبه. اعلام کنید این‌قدر پایین آوردیم خط فقر را.

مردم: جای اینکه پایین بیاورید خط فقر را، کاش یک کم بالا می‌کشیدید، اشتغال و ارزش پولی و تولید و... را.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... بابات اعتراض داشت که درآمد من خیلی پایین است و خرج بالاست و نمی‌توانم ازدواج کنم. گفتم اگر مثل مسئولان عمل کنم و بکشم پایین خط فقرم را! در مدیریت افکار بابات تأثیر دارد یا نه؟ که نداشت گویا. چون پرتم کرد بیرون.

عاشق پایین‌کشنده تو؛ میدون دوم

پیشنهاد

• سازمان اسناد و کتابخانه ملی در نظر دارد در راستای پاسداشت خدمات، فعالیت‌ها و اقدامات دکتر محمد خزائلی (دانشمند و محقق نابینای معاصر) و

بازنمود نقش والای اراده در گذار از محدودیت‌ها و نیل به توفیقاتی چندوجهی و در راه فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی به جامعه در زمینه توانمندی‌های افراد با آسیب‌بینایی، الگوسازی و ارتقای آگاهی‌های اجتماعی، «مراسم بزرگداشت دکتر محمد خزائلی و رونمایی از سندیس وی» را با حضور خانواده، دوستان و شاگردانش در تاریخ ۱۱ آذر از ساعت ۹ تا ۱۲ در مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار کند.

مرکز همایش‌ها در بزرگراه شهید حقانی، (غرب به شرق)، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی قرار دارد.

شرق روزنامه

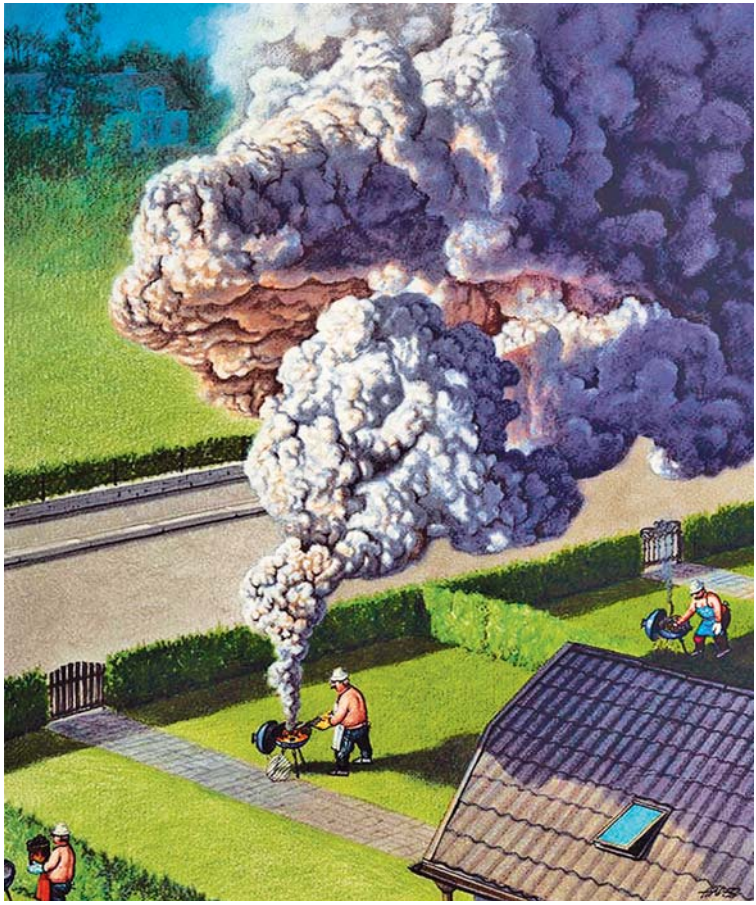
www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۷ = ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ = ۱ دسامبر ۲۰۱۸ = سال شانزدهم = شماره ۳۳۰۴ = ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

✚ **گرهارد هادرر**



دور دنیا

درگذشت پیرترین شورشی جهان

سخنرانی پرشوری درباره زندگی‌اش در کنفرانس حزب کارگر در سال ۲۰۱۴ و انتقاد از سیستم خدماتی کشورش شهرتی ملی و رسانه‌ای پیدا کرد. اسمیت در این سخنرانی توانست اشک تعدادی از نمایندگان ۹۵سالگی روحیه شورشی خود را حفظ کرد تا آنکه



روز چهارشنبه ۲۸ نوامبر (۷ آذر) از دنیا رفت. هری لسلی اسمیت که خود را «پیرترین شورشی جهان» می‌نامید، یک کهنه‌سرباز جنگ جهانی دوم بود که اندیشه‌های چپ‌گرایانه داشت. او متولد بارنزلی در یورکشایر انگلستان بود، پسر یک معدنچی که کودکی او در فقر ناشی از دوران رکود بزرگ سرمایه‌داری گذشت. اسمیت در ۲۲سالگی به RAF (نیروی هوایی سلطنتی انگلستان) پیوست و در جنگ جهانی دوم شرکت کرد. پس از بازنشستگی، او با استفاده از یادکست خود و حساب توییتر با بیش از ۲۳۰ هزار فالوئر کارزاری علیه اقدامات ریاضتی دولت بریتانیا برپا کرد. او پس از

کنسرت گروه موسیقی مارال



فرهنگسرای نیاوران ۲۰،۱ و ۲۲ آذرماه ساعت ۲۰

تهیه بلیط : www.iranconcert.com

پیام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

این روزها برای مطبوعات مستقل، روزهای سختی و مشقت است؛ بحران کاغذ امان نشریات را بریده است، رسانه‌های مجازی، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، رسانه‌های نوین و انواع و اقسام تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای، هر روز عرصه را بر نشریاتِ جدی کاغذی تنگ‌تر می‌کنند و هفته و ماهی نیست که خبر تعطیلی یک نشریه کاغذی، کام اهالی مطبوعات را تلخ نکند.

در این روزگار سختی و مشقت اما، هستند نشریاتی که از اصول، باورها و استانداردهایشان عقب ننشسته‌اند و هنوز هم منتشر می‌شوند؛ با هر سختی‌ای که هست. در میان این نشریات محدود، برخی تازه‌کارترند و برخی قدیمی‌تر. از میان قدیمی‌ترها، چند مجله هستند که تنها و تنها به یک دلیل منتشر می‌شوند: وفاداری مخاطبانی وفادار؛ مخاطبانی که قدر آنها را می‌دانند و می‌دانند که «مستقل‌بودن» و «مستقل‌ماندن» تا چه میزان سخت و دشوار است. می‌دانند که انتشار هر شماره تا چه میزان سخت است و تنها عشق است که می‌تواند تمام این سختی‌ها را تحمل‌پذیر کند. بهترین مثال هم برای این دست مجلات جدی و قدیمی، «فیلم»، «بخارا»، «جهان کتاب»، «گفتگو» و «نگاه نو» است. در چند خط پیش‌رو درباره این آخری می‌نویسم که عصر پنجشنبه به یاد مهتاب، دختر فقید سردبیر این مجله، علی میرزایی، میزبان مخاطبانش بود که آمده بودند در مراسم امسال جایزه مهتاب میرزایی شرکت کنند؛ جایزه‌ای که امسال ۱۵ساله شده است.

«نگاه نو» مجله شریفی است؛ فصلنامه‌ای اندیشه‌ورانه که سال‌هاست آرام و متین هر فصل یک‌بار

یک گزارش

کودکان گرفتار پسازلزله

محسن رنانی را به عنوان اقتصاددانی می‌شناسیم اما این روزها مشغول فعالیت‌ی درباره کودکان آسیب‌دیده بعد از زلزله کرمانشاه است. اولین‌بار ۱۱ خرداد مطلبی نوشت با عنوان «از مصطفی پیت‌استیل تا کودکان زلزله» که در آن به مشکلات کودکان آسیب‌دیده از زلزله اشاره کرد؛ کودکان گرفتار PTSD (اختلال استرسی پس‌ساحاده) در مناطق زلزله‌زده سرپل‌ذهاب. کودکانی که هنوز از پس‌لرزه‌ها می‌هراسند و شب‌خوابیدن برایشان عذاب‌ی بزرگ است. اما اگر این اختلال در کودکان زیر هفت سال در چند ماه اول پس از حادثه درمان نشود تا آخر عمر با آنها می‌ماند و چنین فردی تا پایان عمر با اختلالات رفتاری و روانی درگیر خواهد بود و دیگر یک انسان طبیعی نخواهد بود و زندگی‌اش همواره پرتش و از نظر روانی بی‌ثبات خواهد بود. هرچند درمان این اختلال برای کودکان آسان‌تر است. اکنون چند ماه بعد از انتشار این مطلب هنوز اقدامی از طرف مسئولان انجام نشده است. به همین دلیل رنانی بار دیگر مطلبی نوشته و گزارشی از فعالیت‌های انجام‌شده در این زمینه داده و درخواست کرده که دیگران نیز اگر می‌توانند گامی در این راه بردارند. مطلب قبلی او بیش از ۵۰ هزار بار خوانده شده است، حتی وزیر رفاه وقت – دکتر ریجعی – نیز قول همکاری‌هایی را داده بود... او اکنون بعد از چند ماه نوشته است: «می‌دانستم که به مقامات نباید امید بست. آن بیچاره‌ها از یک سو هم تحت فشار مأموریت‌ها و محدودیت‌های مقامات بالاتر از خود هستند و هم تحت فشار پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و انتظارات نمایندگان مجلس؛ از سوی دیگر نیز هم با کمبود شدید بودجه روبه‌رو هستند و هم با یک دستگاه اداری کرخت‌شده و کارکنان بی‌انگیزه. پس از مدتی دانستم که به جماعت دولتیان امیدی نمی‌توان بست. بالاخره یاعلی گفتیم و خودمان دست‌به‌کار شدیم».

برخی مربیان مؤسسه توانمندسازی توسعه‌محور خانواده (توتم خانواده) در اصفهان اعلام آمادگی کردند، سه فرد نیکوکار اصفهانی نیز حمایت کردند و هسته شکل‌گیری «انجمن حمایت از کودکان پساحادثه» (در حال تأسیس) نهاده شد. این انجمن به سرعت دست به کار شد تا با همکاری روان‌شناسان ساکن منطقه، حرکتی مردمی برای غربالگری کامل همه کودکان زیر ۱۲ سال در مناطق شهری و روستایی زلزله‌زده سرپل‌ذهاب آغاز شود. در شهرپور فراخوانی داده شد و ۲۰ دانش‌آموخته روان‌شناسی در همان مناطق زلزله‌زده شناسایی شدند و آموزش‌های لازم را دیدند تا کار غربالگری شروع شود. موضوع به اطلاع استاندار محترم کرمانشاه رسانده شد و با تأیید و حمایت ایشان و نیز همکاری اداره کل آموزش‌وپرورش و اداره کل بهزیستی استان کرمانشاه، از ۱۶ مهرماه کار غربالگری کودکان آغاز شد.

تیم مشاوران کلیه کودکان زیر هفت سال مستقر در روستاهای تحت مدیریت خانم کلباسی را با آخرین تست‌ها و معیارهای معرفی‌شده جهانی، معاینه و غربالگری کرد. معلوم شد از ۸۰ کودک زیر هفت سال، ۲۱ مورد، یعنی بیش از ۲۵ درصد از کودکان، گرفتار PTSD هستند. در آخرین سفر این تیم معلوم شد ۱۶ نفر از کودکان تا مرز بهبودی کامل پیش رفته‌اند.

رنانی بیش‌تر نوشته بود: «وقتی متوجه شدم که سندروم PTSD تا چه حد در میان کودکان زلزله‌زده شایع است، اطلاعات جمعیتی پنج شهرستان زلزله‌زده کرمانشاه (اسلام‌آباد غرب، سرپل‌ذهاب، قصرشیرین، ثلاث باباجانی، دالاهو) را براساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ بررسی کردم و براساس آن، جمعیت کودکان زیر هفت سال این پنج شهرستان را برای سال ۱۳۹۶ برآورد کردم. معلوم شد در زمان زلزله بین ۴۲ تا ۴۵ هزار کودک زیر هفت سال در این مناطق بوده‌اند. اگر فرض کنیم سهم کودکان گرفتار PTSD در کل این مناطق شبیه روستاهایی باشد که تیم روان‌شناسان دانشگاه اصفهان بررسی کردند (۲۵ درصد)، می‌توان نتیجه گرفت احتمالاً بیش از ۱۰ هزار نفر از کودکان زیر هفت سال این مناطق، گرفتار سندروم PTSD شده‌اند». حالا در جدیدترین گزارش رنانی گفته است: «تا امروز حدود ۱۰هزار و ۳۵۰ کودک شهری و روستایی زیر ۱۳ سال مورد بررسی بالینی و غربالگری قرار گرفته‌اند که در میان آن ۴۳۵ نفر کودک گرفتار PTSD و اختلال «سوگ» شناسایی شده‌اند. البته هنوز چند هزار نفر کودک زیر هفت سال که از طریق مدارس قابل شناسایی نبوده‌اند، نیز وجود دارند که فرایند شناسایی و غربالگری آنها در جریان است و مقداری زمان‌بر است. با توجه به حجم کار انجام‌شده به نظر می‌رسد با انجام غربالگری بقیه کودکان زیر هفت سال، جمعا حدود ۶۰۰ کودک گرفتار PTSD و «سوگ» شناسایی شوند. برآورد شده است که دست‌کم ۶۰۰ میلیون تومان مورد نیاز است (هر کودک دست‌کم یک میلیون تومان) تا بتوان تمامی این کودکان را طی یک سال آینده تحت درمان مستقیم قرار داد».

اکنون هم نیکوکاران علاقه‌مند به نجات کودکان زلزله‌دیده‌ای که گرفتار PTSD شده‌اند، می‌توانند در این طرح مشارکت کنند؛ همین‌طور فارغ‌التحصیلان رشته روان‌شناسی یا کسانی که ساکن کرمانشاه هستند. اگر کسی هم خواست می‌تواند با بسته‌های بازی نیز کمک کند.

اتفاق

«تحریریه» وفادار، پیش شرط «مخاطب» وفادار

پژمان موسوی

مخاطبان این مجله به‌عنوان بهترین مترجم، فخرالدین عظیمی به‌عنوان بهترین مؤلف و فروزان افشار به‌عنوان جوان‌ترین همکار «نگاه نو» در سال ۹۶ انتخاب شدند. جایزه مهتاب میرزایی فارغ از کم‌وکیف، می‌تواند و باید که به یک الگو در میان مجلات مستقل بدل شود؛ شیوه‌ای که نه‌تنها مصداق مشارکت مستقیم مخاطب در جهت‌گیری‌ها و کیفیت مجله است که نشان از مهم‌انگاشتن مخاطب در روزگاری است که در آن تنها «مخاطب وفادار» مهم نیست، «تحریریه وفادار به مخاطب» هم مهم است. این وفاداری توأمان، اعتماد می‌آورد و اعتبار؛ دو چیزی که در مطبوعات معاصر سرخست به دست می‌آیند و آسان از دست می‌روند. «نگاه نو» اما به همت سردبیر کارآزموده‌اش، هنوز، هم معتبر است و هم محترم. امید که بماند و بپاید...



عکس: مهدی حسینی

زنان

خشونت چهره‌های بسیار دارد

آینا قطبی‌عقوبی

هر سال بیست‌وپنجم نوامبر که از راه می‌رسد، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پر می‌شوند از تصاویر زنانی که چهره‌های ورم‌کرده، کبود، رنجور و زخمی‌شان زینت‌بخش جملات رنگارنگ و بعضاً ساتنی‌مانتال در مذمت خشونت علیه زنان است و این خشونت همیشه انگار قالب و شمایل‌ی فیزیکی است و ابزار و حربه‌هایش هم کتک و تجاوز جسمانی؛ تصاویری که از فرط تکرار مگر به دل‌هایی بی‌خاصیت بدل شده‌اند که حتی از ارجاعی ساده به مدلول مورد نظر خودشان هم عاجزند، چه رسد به آگاهی‌رسانی و روشنگری در باب مسئله‌ای که هر روز حیات و بالندگی میلیون‌ها انسان در سراسر جهان را تهدید می‌کند. برای اینکه بدانیم چرا این تصاویر پرتعداد و تکرار‌شونده، دل‌هایی تقریباً بی‌خاصیت‌اند، لازم است که آنها را هم از منظر فرم و بستر ارائه و هم از زاویه جهت‌گیری‌های محتوایی بررسی کنیم. در قالب فرم و بستر ارائه، همه‌چیز به سازوکار امروزی‌ن تبادل اطلاعات بازمی‌گردد؛ دنیایی که در آن بیش از هر دوره تاریخی دیگری با هجوم گاه حتی متجاوزکارانه عکس و تصویر مواجهیم و از صفحه‌ها‌ت روزانه اینترنتی تا پستوی مغازه‌ها و کنج‌کنج خیابان‌های شهر هجوم بیکرانه تصاویر رنگارنگ را تجربه می‌کنیم؛ تجربه‌ای که از فرط تکرار، دیگر نه لذت کشف‌وشهودی در خود دارد و نه قادر است برای مدت‌زمانی هرچند کوتاه در حافظه بیننده‌اش جای گرفته و او را به اندیشه و تعمق وادارد. درعین‌حال بازنمایی دائمی خشونت عریان در قالب عکس و فیلم، چه مستند و حقیقت‌نگار باشد و چه داستانی و ساختگی، بیش از آنکه سبب‌ساز ایجاد حساسیت به خشونت و رنج شود، کارکردی عادی‌ساز و حساسیت‌زدا پیدا می‌کند و به‌مرور دیگر حتی قادر نمی‌شود توجهی چندانی‌ای برای خود بخرد.

اما بحث جهت‌گیری محتوایی ازین هم مهم‌تر و پررنگ‌تر است؛ چراکه دقیقاً با همین سمت و سویه‌های معنایی است که طیف، جنس و تعداد مخاطبان مشخص شده و دایره تأثیرگذاری روشنگری وسعت می‌یابد. وقتی نگاهمان به خشونت، ساخت تصاویر زنان کتک‌خورده باشد، به ناچار مفهوم وسیع خشونت را به دایره تنگ خشونت فیزیکی و جنسی تقلیل دکار، دیگر نه بازه بزرگی از گونه‌های متوع خشونت را که اتفاقاً شمول بیشتری دارند، به روطه فراموشی سپرده‌ایم. در چنین رویکردی، گروه کثیری از آتهایی که پیام‌هایی از این دست را می‌بینند، به‌سادگی خود را خارج از چرخه خشونت فرض کرده، نفسی به‌راحتی می‌کشند و ممکن است حتی متوهمانه خود و زیستشان را عاری از خشونت ارزیابی کنند. درواقع وقتی تصویر ما از خشونت، غلظت و شدت لازم برای بدل‌شدن به نشانه‌های شمایل‌ی را به خود می‌گیرد، دیگر جز کتک، شکنجه، تجاوز و با کمی ارفاق فحاشی و تحقیر و توهین‌های بسیار شدید، نمی‌تواند گونه‌ای دیگر از خشونت را نمایندگی کند.

درحالی‌که می‌دانیم، خشونت چهره‌های متنوع و صورت‌هایی سیال و دانما متغیر دارد. خشونت‌های کلامی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و... همه‌همه انواع مختلف و اتفاقاً مرسوم‌تر خشونت‌اند و شمول آنها به قدری زیاد است که کمتر انسانی می‌تواند ادعا کند که در طول حیات خود مورد چنین نمونه ای از خشونت‌ها قرار نگرفته باشد. دقیقاً به همین علت است که بسیاری‌ان اصرار دارند تا روز ۲۵ نوامبر را «روز جهانی منع هر گونه خشونت علیه زنان» بنامند نه «روز جهانی منع خشونت علیه زنان» و این تأکید بر «همه گونه‌ها» شاید مهم‌ترین بخش تجربه رفتاری ما در مواجهه با پدیده خشونت باشد و این یعنی بدانیم و آگاهی‌رسانی کنیم که دست‌مزد کمتر در ازای کار برابر در محیط کار یا در سلطه‌گری و سرکوب در ازای پرداخت خرجی در محیط خانه، خشونت اقتصادی به زن است و بی‌توجهی و سردی و بی‌مهری خشونت عاطفی است. محدودکردن فرد به محیط‌های بسته و کنترل ارتباطات و مراودات او، خشونت اجتماعی است. به‌کاربردن دائمی ترکیباتی چون «برای خودش مریدیه»، «زن یعنی جنس لطیف»، «زن‌ها احساساتی‌اند» و بسیاری دیگر از ترکیبات و واژگان سرکوبگر و زن‌ستیز که در زبان ما کم نیستند، خشونت کلامی است. سوءاستفاده از علاقه و محبت فی‌مابین برای سرکوب و کنترل فرد، خشونت روانی است و به همین‌ترتیب دایره شیوه‌های اعمال خشونت می‌تواند دائماً بزرگ و بزرگ‌تر شود و دقیقاً به همین علت است که دقت، توجه، شناخت جامع و حساسیت ویژه می‌طلبد و خوب‌تر آن است که نه تنها برای همین یک‌روز که در همه عمر مراقب باشیم و تا می‌توانیم درباره این دیو هزارصورت و چهره‌های مخفی‌تر و پنهان آن بیاموزیم و بیاموزانیم.